«لا تفطر»، نقطه انطلاق شکلگیری استظهار در روایت معمر بن خلاد

روایت دوازدهم روایت معمر بن خلاد بود. مدتی از مضمون روایت بحث کردیم. مضمون خیلی خوبی بود. در فضای فقه مضمون مغتنمی است. فقه الحدیث خیلی خوبی دارد. هر چه هم رفتوبرگشت شود، فضای قوت ذهن شما در استظهارات بالا میرود. من به این صورت گمان میکنم.

> **عن معمر بن خلاد عن أبي الحسن عليه السلام قال: كنت جالسا عنده آخر يوم من شعبان ولم يكن هو صائما فأتوه بمائدة، فقال: ادن وكان ذلك بعد العصر، فقلت له: جعلت فداك صمت اليوم، فقال لي: ولم؟ قلت: جاء عن أبي عبد الله عليه السلام في اليوم الذي يشك فيه أنه قال: يوم وفق له، قال: أليس تدرون أنما ذلك إذا كان لا يعلم أهو من شعباناه من شهر رمضان فصام الرجل فكان من شهر رمضان كان يوما وفق له، فأما وليس علة ولا شبهة فلا، فقلت: أفطر الآن؟ فقال: لا. الحديث[1]**

«كنت جالسا عنده آخر يوم من شعبان ولم يكن هو صائما فأتوه بمائدة، فقال: ادن»؛ بیا همراه من غذا بخور. **«وكان ذلك بعد العصر، فقلت له: جعلت فداك صمت اليوم»؛** امروز را روزه گرفتهام. **«فقال لي: ولم؟ قلت: جاء عن أبي عبد الله عليه السلام في اليوم الذي يشك فيه أنه قال: يوم وفق له»؛** من هم میخواستم که موفق شوم، اگر بعداً معلوم شد ماه مبارک است.

«قال: أليس تدرون أنما ذلك إذا كان لا يعلم أهو من شعباناه من شهر رمضان فصام الرجل فكان من شهر رمضان كان يوما وفق له، فأما وليس علة ولا شبهة فلا، فقلت: أفطر الآن؟ فقال: لا». مراتبی که در مباحثه ما بر این حدیث گذشت، یکی این بود که حضرت فرمودند «فلیس علة و لاشبهة». علت و شبهه، مرادف نبودند و عطف توضیحی نبود. قبلاً از این بحث کردیم. تا دوازده شبهه هم مطرح کردیم. اولین آنها متمحض در شبهه حکمیه بود که روایات عدد بود. یعنی اصلاً ماه شعبان میتواند سی باشد یا نه. شارع خودش فرموده بود، شعبان بیست و نه است و خلاص. این شبهه روایت عدد، متمحض در شبهه حکمیه بود. یازده نوع دیگر بود که ریخت شروع شبهه، شبهه موضوعیه بود. اما بر آن شبهه موضوعیه، بسیاری از شبهات موضوعیه متفرع میشد که قرار بود از آنها حرف بزنیم و صحبت کنیم. ظاهراً من قبلاً دوازده مورد را عرض کرده بودم و دیگر تکرار نمیکنم.

20:13

آن چه که امروز می‌خواهم عرض کنم این است: در این روایت با استظهاری که می‌خواهیم مقصود اصلی امام علیه‌السلام معلوم باشد، زیر کدام کلمه خط بکشیم؟ آن اصل کاری چیست؟ چون اگر زیر برخی از کلمات، اشتباه خط بکشیم، از مقصودی که امام علیه‌السلام داشتند کاملاً پرت می‌افتیم. خب یکی از چیزهایی که الآن می‌توانیم در آن اشتباه کنیم، این است که بگوییم وقتی حضرت می‌فرمایند: «و اما لیس علة و لاشبهة، فلا»، یعنی «فلا وقف له»؛ دیگر موقف نیست. ولو بعداً هم معلوم شود که ماه مبارک بوده، دیگر فایده ندارد. چرا؟ چون علت نبود. چون شبهه نبود، باید قضا کند. روزه که گرفته! خب گرفته باشد. دیشب که خبری نبود و هوا صاف بود، لذا فایده ندارد. «فلا» یعنی «لا وقف له». به گمان من اگر به این صورت معنا شود از مقصود امام علیه‌السلام کاملاً فاصله گرفته شده است. یا این‌که بگوییم «فلا» یعنی «فلا استحباب». یعنی آن تشویق جدی بر این‌که بروید توفیق پیدا بکنید، دیگر آن تشویق نیست. یعنی فلا استحباب.

زیر کلمه‌ای که الآن می‌خواهیم خط بکشیم، نقش بسیار مهمی در استظهار از مقصود امام علیه‌السلام دارد، چیست؟

شاگرد: تعبیر «له» است.

استاد: یعنی چرا امروز را روزه گرفته‌ای، به چه بیانی؟

شاگرد: اگر این جور باشد توجیه تو قابل‌قبول است. و الا فلا.

استاد: خب در اینجا خلاصه «فلا» را به چه چیزی می‌زنید؟ به «وقف» می‌زنید؟ به «فلا استحباب» می‌زنید؟ به چه می‌زنید؟

شاگرد: به توجیه او می‌زنید؟

استاد: خب او که می‌خواست موقف شود.

شاگرد: او توجیهی داشت که روزه بگیرد و یک وجهی برای روزه گرفتن باشد. فرمودند اگر وجه تو به این صورت می‌بود، وجه قابل قبولی می‌بود.

استاد: خب وجه او چیست.

شاگرد: یعنی می‌خواهی به‌صورت علی حده احتیاط بکند. غیر از این است که بخواهد سیام شعبان را روزه بگیرد. می‌خواهد آن را احراز بکند.

استاد: خب «فلا» یعنی فلا احتیاط. این جور می‌گویید؟

شاگرد: یعنی جایی برای احتیاط تو ندارد. این توجیه قابل قبولی نیست.

استاد: یعنی لا استحباب؟

شاگرد: نه، ازاین‌جهت نه.

استاد: میخواهم از جایی شروع کنیم که این سؤال و جوابهای من و رفتوبرگشتهای من پیش نیاید. آن چیزی که الآن میخواهم عرض کنم، «ال» دوم است. حضرت فرمودند «اقام فلیس علیه و ال شبهه فلا، قلت افطر الآن؟ قال علیهالسلام ال». زیر این «ال» دوم خط میکشیم و جلو میرویم. برای اینکه مقصود امام علیهالسلام از «ال» اول و از مجموع فرمایششان، معلوم شود، این «ال» دوم بسیار مهم است. لذا نقطه انطلاق استظهار مستقر، در اینکه مراد امام علیهالسلام چیست، و این «ال استحباب» روشن شود، «ال» دوم است. به چه صورت؟ میگوییم «ال» دوم یعنی حضرت فرمودند که افطار نکن. خب از «ال» دوم بهوضوح استفاده میشود که روزه او صحیح بود. روزهای که باطل است را حضرت نمیفرمودند که افطار نکن. افطر الآن؟ ال. پس روزه صحیح است.

خب حالا روزه صحیح بود، در اینجا دو سؤال مطرح میشود؛ این روزه صحیح مستحب بود یا نبود؟ اگر بعداً معلوم شد که ماه مبارک بوده، مجزی هست یا نیست؟ من میخواهم عرض کنم که هر دوی اینها از این «ال» استفاده میشود. چون حضرت فرمودند که روزه او درست است. وقتی حضرت تأیید کردند که درست است، بعد معلوم شد که ماه مبارک بوده، روایت زهری میآید؛ ان الفرض انما وقع علی الیوم بعینه. یعنی آن استدلال امام علیهالسلام در روایت دیگر، در روایت معمر بن خلاد هم میآید. پس نمیتوانیم بگوییم وقتی امام فرمودند «فلا»، یعنی «لوافق له». و حال آنکه در آن روایت حضرت فرمودند «ان الفرض وقع علی الیوم بعینه»، خب چرا در اینجا نیاید؟ اینجا هم بعد معلوم میشود که ماه مبارک بوده، خب «وقع علی الیوم بعینه». با خود روایت زهری میفهمیم روزه او که صحیح است، مجزی هم هست، به استدلالی که در آن روایت بود. آن تعلیل این را تصحیح میکند. پشتوانه مهمترش، اجماع است. اجماع هم کم نیست. استدلال به یک روایت بهعنوان خبر واحد که نیست تا ابن ادریس به ما بگویند لایوجب علما و عملاً. چه اجماعی؟ این اجماع که وقتی کسی سهوا شعبان را روزه گرفت، ولو لاعلة و لاشبهة، بعد معلوم شد که شهر رمضان بوده، اجماع است که مجزی است. پس پشتوانه اجماع برای اجزاء از اینکه «ولو لاعلة و لاشبهة» هست. کسی که روزهای گرفته که مجزی است، چیز کمی نیست. برای چه؟ برای پی جویی و ادامه دادن «ال» دوم. این «ال» اول در حدیث چه کار کرد؟ خود امام علیهالسلام فرمودند که روزه تو صحیح است. خب اجماع میگوید اگر روزه صحیح هم گرفتی، مجزی هم هست. همچنین اجماع امامیه این بود که روز سیام شعبان مستحب است. تنها مرحوم مفید بودند که قید زده بودند. همان هم در مقنعه نبود. ظاهر مقنعه این بود که مستحب است. در الغریه ای الغریه، شیخ مفید بود که محقق نقل کرده بودند. خود کتاب در دستها نبود. خب با آن مقدمات باز پشتوانه اجماع هست بر اینکه استحباب هم دارد، ولو لا علة و لاشبهة.

> 27:54

پس از «ال» دوم شروع کردیم و صحت صوم را خود روایت گفت، پشتوانه صحت روایت، اجزاء آن است و استحباب آن. «ال» یعنی روزه تو صحیح است و مستحب هم هست و مجزی هم هست، اگر بعداً معلوم شد.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۵

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مه 2026 13:21:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2026 13:23:35 توسط ... .